



اصول و روش های آموزش مفهوم خدا و تقویت خدا باوری در کودکان و نوجوانان

پدیدآورنده (ها) : وجدانی، فاطمه
علوم تربیتی :: بصیرت و تربیت اسلامی :: پاییز 1392 - شماره 26 (علمی-
ترویجی/ISC)

از 79 تا 106

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1043123>

دانلود شده توسط : زینب نادری

تاریخ دانلود : 25/03/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

اصول و روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری در کودکان و نوجوانان

فاطمه وجدانی^۱

چکیده

تربیت اعتقادی، آموزش مفهوم خدا و خداباوری یکی از دغدغه‌های مهم دست‌اندرکاران تربیت و خانواده‌ها است. اعتقادات دینی علاوه بر تأثیری که در صلاح فردی و جمعی دارند و باعث سعادت اخروی می‌شوند، در همین دنیا هم به زندگی انسان معنا می‌دهند و سلامت روانی او را تضمین می‌کنند. آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری برای کودکان و نوجوانان به دلیل ویژگی‌های خاص آنها، کاری دشوار و ظریف است. سؤال این پژوهش این است که چگونه می‌توان به صورت مؤثر و کارآمد، مفهوم خدا را به کودکان و نوجوانان آموزش داد و خداباوری را در آنها تقویت نمود؟ در این پژوهش که از نوع کاربردی است و با هدف کمک به بهبود کارایی روش‌های اجرایی آموزشی و تربیتی انجام گرفته است، در پایان یک مجموعه تجویزهای تربیتی براساس مبانی و اهداف تربیت و هماهنگی با آنها وضع و اعتبار شده اند که مشتمل بر هشت اصل تربیتی، پانزده روش تربیتی برای کودکان و هشت روش تربیتی برای نوجوانان می‌باشد. این اصول و روش‌ها پیشنهادهایی برای عمل و برای مربیان، معلمان و خانواده‌ها قابل استفاده می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مفهوم خدا، خداباوری، تربیت اعتقادی، کودکان، نوجوانان.

۱- مقدمه

معرفت و عشق به خداوند و حس پرستش و تقدیس او، را با آب و گل بشر سرشته‌اند

۱) پژوهشگر و دکترای فلسفه تعلیم و تربیت؛ f_vodgdani@yahoo.com

و انسان برای این آفریده شده است که تا در پرتو تربیت درست و همچنین همت و تلاش خود، این بالقوگی را شکوفا کند: خدا را بشناسد، به او عشق بورزد و از فرط این عشق، خود را به صفات او بیاراید و خداگونه بشود.

انسان این معرفت و میل و کشش پنهان را همواره با خود دارد؛ گرچه در اثر برخی عوامل بازدارنده ممکن است روی این فطرت را غبار بگیرد و موقتاً، محجوب و مغفول واقع شود؛ اما حتی در آن صورت نیز، انسان همه جا به دنبال گم شده خود خواهد بود و تا به مصداق حقیقی آن دست نیابد، آرام نمی‌گیرد و اضطراب به شکل‌ها و بهانه‌های گوناگون با او قرین خواهد بود. بسیاری از تحقیقات روان‌شناختی هم به طریق میدانی نشان داده‌اند که افرادی که دارای اعتقادات و ایمان محکمی هستند، زندگی سالم‌تری دارند (مانند: قدرتی میرکوهی و خرمایی، ۱۳۸۹؛ چراغی و مولوی، ۱۳۸۵).

دین اسلام از سه بخش اساسی تشکیل شده است: اعتقادات، اخلاق و احکام (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۸). گرچه میان این سه مؤلفه ارتباطات چند سویه برقرار است؛ مثلاً، تزکیه اخلاقی، زمینه‌ساز ایمان و التزام به احکام عملی می‌باشد و احکام و عبادات، به نوبه خود، ایمان و اخلاق را تقویت می‌کنند؛ اما اعتقادات در واقع، ریشه و اساس دین هستند و پایه دو بخش دیگر، یعنی اخلاقیات و احکام می‌باشند (داوودی، ۱۳۸۳: ۳۶). علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: اخلاقیات در نهایت به توحید برمی‌گردند و اگر ایمان به خدا و معاد نباشد، هیچ انگیزه دیگری نمی‌تواند به طور مؤثری با هواهای نفسانی مقابله کند و انسان را از ارتکاب اعمال زشت بازدارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۹۰). اعتقادات دینی علاوه بر تأثیری که در صلاح فردی و جمعی دارند و باعث سعادت اخروی می‌شوند، از این جهت که به زندگی معنا می‌دهند. نیز بسیار درخور توجه هستند. معنای زندگی یعنی انسان برای زندگی خود در این جهان دلیل معقولی داشته باشد. در این صورت، زندگی برای او معنادار، قابل تحمل و حتی لذت بخش می‌شود. تنها دین است که با تفسیر صحیح زندگی انسان، به زندگی او معنا می‌دهد و در کاهش

درد و رنج‌هایی مانند احساس تنهایی، احساس ظلم، بی‌عدالتی و ترس از مرگ مؤثر است (داوودی، ۱۳۸۳: ۳۵).

اکنون پس از اشاره به اهمیت وجود باورهای دینی در افراد، باید گفت در میان اعتقادات، شناخت خداوند متعال و ایمان به او سنگ بنای اعتقادات محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اولین مرتبه دینداری، شناخت خدا و ایمان به اوست؛ و حتی بالاترین مرتبه دینداری نیز به دست آوردن بالاترین میزان شناخت و معرفت نسبت به خداوند می‌باشد (داوودی، ۱۳۸۳: ۳۸). از این رو، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَغْلَى الْمَعَارِفِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۳: ۱۵۵/۶، روایت ۱۱۹۳۵): معرفت به خدا بلندمرتبه‌ترین معرفت است.

با توجه به دلایل مطرح‌شده شناساندن خداوند و تقویت ایمان به او در جامعه ما، در میان اهداف تربیتی دارای اولویت بالایی می‌باشد. بیان مفاهیم دینی برای کودکان و نوجوانان که از ظرفیت‌های کلامی و ادراکی محدودی نسبت به بزرگسال برخوردارند، از دغدغه‌های مهم دست‌اندرکاران تربیت است. با وجود تلاش‌های پیگیر نظام تربیت، تربیت دینی و اعتقادی نسل جوان در کشور ما هنوز هم با کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هایی مواجه است. تحقیقات آسیب‌شناختی در حیطه تربیت دینی در کشور نشان می‌دهند که در تربیت دینی، حیطه شناختی تسلط و غلبه دارد و حیطه‌های عاطفی و عملی کمتر مورد توجه بوده است. بخش عمده‌ای از کتاب‌های مربوط (مانند کتب بینش اسلامی) به ارائه صرف برخی حقایق و باید و نبایدها می‌پردازند، بدون این که متریان را به تأمل و تفکر برانگیزند. به عبارت دیگر، صرفاً بر انتقال اطلاعات دینی و حفظ طوطی‌وار آنها توسط متریان تأکید می‌شود. گاهی اوقات نیز، ابتدا شبهاتی مطرح می‌شود، اما هنگام پاسخ‌گویی و رفع شبهه، استدلال‌ها فاقد استحکام کافی است و نمی‌تواند شبهه مطرح شده را رفع کند. از سوی دیگر، تعداد قابل توجهی از معلمانی که مسئولیت تدریس و تربیت دینی را بر عهده دارند، از نظر علمی، اعتقادی، شخصیتی و انگیزشی وضعیت

چندان مطلوبی ندارند و به علاوه، مطالب را با روش‌های غیر فعال، تلقینی محض و آموزش سطحی تدریس می‌کنند. شیوه‌های ارزشیابی نیز بیشتر، محفوظات ذهنی متریبان را هدف قرار می‌دهد (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰؛ نساجی زواره، ۱۳۸۸). در مجموع به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله در تربیت اعتقادی، فقدان اصول و روش‌های مناسب، علمی و عملی برای این امر مهم است.

آموزش مفاهیم دینی مانند هر آموزش دیگری برای این که مؤثر واقع شود، نیازمند آگاهی و به کارگیری یک مجموعه اصول و روش‌های صحیح و کارآمد است و بدون توجه به این امر، ممکن است انحرافات فکری و گمراهی‌هایی در باورهای فرد به وجود بیاورد که اصلاح آن در سال‌های بعدی بی نهایت مشکل گردد. همان‌گونه که امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَيَّ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَيَّ غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةً السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۴/۱): کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری بزند، مانند کسی است که در بیراهه‌ای پیش می‌رود؛ هرچه سرعتش بیشتر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد.

سؤالی که بسیاری از والدین و حتی مربیان و معلمان با آن روبه‌رو هستند، این است که چگونه می‌توان مفهوم خدا را به کودکان و نوجوانان آموزش داد و خداباوری را در آنها تقویت کرد؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق، پژوهشی کاربردی است. هدف از تحقیقات کاربردی، دستیابی به اصول و قواعدی است که در موقعیت‌های واقعی و عملی به کار بسته می‌شوند و به بهبود محصول و کارآیی روش‌های اجرایی کمک می‌کنند (شریفی و شریفی، ۱۳۸۳: ۸۷). این پژوهش نیز اصول و روش‌هایی را برای آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری کودکان و نوجوانان ارائه می‌کند.

در این پژوهش، تجویزهای تربیتی، یعنی اصول و روش‌ها، دستورالعمل‌هایی برای عمل هستند که بر اساس مبانی و اهداف تربیت و هماهنگ با آنها وضع و اعتبار می‌شوند. این شیوه اخیراً توسط برخی صاحب‌نظران معاصر (صادق‌زاده قمصری و حسنی، ۱۳۹۱)، از نظریه اعتباریات علامه طباطبایی استخراج و برای انجام تحقیقات تربیتی پیشنهاد شده و توسط برخی محققان دیگر نیز (وجدانی، ۱۳۹۱) مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر علامه طباطبایی توصیه‌ها و بایدها اساساً، گزاره‌هایی انشایی والزام‌هایی هستند که انسان جهت رفع نیازها و تأمین اغراض وضع می‌کند و به‌کار می‌گیرد؛ و چون وسیله نیل به اهداف هستند، لازم الاجرا می‌باشند و اگر زمانی ناکارآمدی (لغویت) آنها (مثلاً، برای موقعیتی خاص) مسجل گردید، با موارد مناسب‌تر جایگزین خواهند شد. این قضایا، استنباطی عقلایی و ترجیحاتی خردمندانه هستند و با عنایت به مجموعه‌ای از واقعیات و ارزش‌های مفروض (مسلم انگاشته شده) شکل می‌گیرند و طرفین گفتگو، بنا بر پذیرش آن نهاده‌اند. یکی از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اسلام در تربیت اعتقادی، وجود فطرت توحیدی در انسان‌ها است. بنابراین پیش از ورود به بحث اصول و روش‌ها، اشاره‌ای به این مطلب داشته و به دنبال آن، ابتدا مهم‌ترین اصول آموزش مفهوم خدا و تقویت خداپاوری که برای کودکان و نوجوانان مشترک هستند، بیان خواهد شد و سپس روش‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان به تفکیک مطرح خواهد شد. زیرا آنچه عمدتاً برای این دو گروه متفاوت است، بحث روش‌ها است که باید متناسب با هر دوره سنی به‌کار گرفته شود. لازم به ذکر است که منظور از دوره کودکی در این پژوهش، از ابتدای تولد تا ۱۲ سالگی است و از ۱۲ تا ۱۸ سالگی دوره نوجوانی محسوب می‌شود.

۳- وجود بستر طبیعی و فطری برای خداشناسی

پیش از ورود به بحث اصول و روش‌ها، لازم است به یکی از مبانی مهم انسان‌شناختی اسلامی که ارتباط مستقیم با بحث مذکور دارد و در واقع، زیربنای آن محسوب می‌شود،

اشاره شود.

در تعالیم اسلامی، آدمی دارای فطرتی ملکوتی است که همواره عقاید حق و اعمال صالحی را که به کمال و سعادت حقیقی انسان منتهی شود، به او گوش زد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۳۷). مهم‌ترین کارکرد فطرت شناخت و ایمان به خداست که با آب و گل آدمی سرشته شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۷/۷)؛ به صورتی که هر انسان سلیم‌الفطره‌ای به موجودی خارج از حس خود ایمان آورده، سر از مسئله توحید و نبوت و معاد در می‌آورد و در نتیجه خود را ملزم می‌داند که در برابر آن مبدأ یکتا خضوع کند و اوامر آن دین را به‌کار بندد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۱/۱). البته مسئله اینجاست که فطرت از ابتدای تولد بالفعل نیست و باید آن را شکوفا نمود. علامه طباطبایی هم به این نکته اشاره نموده، معتقدند که فطرت، بالقوه است و در ابتدای وجود فعلیت ندارد (طباطبایی، به نقل از حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۹) و به طور خود به خودی در همه انسان‌ها شکوفا نمی‌گردد. بلکه فعلیت یافتن آن منوط به تربیت صحیح دینی است. به علاوه، انسان با وجود ندای فطری مبتنی بر توحید، ممکن است در اثر غوامضی، مصادیق کمال را اشتباه بگیرد و در نتیجه معبودهای دیگری برای خود اتخاذ نماید و در نتیجه دچار اشتباه شود. بنابراین، از طریق تربیت دینی و اعتقادی درست باید، فطرت خداجوی بشر را شکوفا نمود و او را در مسیر درست رهنمون شد. اما در هر حال، فطری بودن توحید بدین معناست که انسان و از جمله کودک آمادگی زیادی دارد تا با آموزش‌های صحیح، وجود خداوند را دریابد و این تحمیل بر نفس و جان او نیست. وجود این هدایت فطری زمینه را برای هدایت بیرونی فراهم می‌سازد و کار را برای والدین و مربیان تسهیل می‌نماید.

۴- اصول آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری در کودکان

اصول، قواعد و دستورالعمل‌های کلی هستند که راهنمای عمل قرار می‌گیرند (باقری، ۱۳۸۴: ۶۴). در این قسمت، مهم‌ترین اصول آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری

در کودکان مطرح می‌گردد.

۴-۱- اصل توجه به سطح ادراکی و آمادگی‌های فکری

درک موجودی که دائماً و در تمام لحظات با ما همراه است، بر ما نظارت دارد، و تمامی امور جهان را تدبیر می‌کند، اما با این حال، نمی‌توانیم آن را ببینیم، برای بچه‌ها کار آسانی نیست و کاملاً به سطح فکری و رشد ذهنی آنها بستگی دارد. بنابراین باید سطح توانایی‌های ادراکی و تصور آنها را از خدا شناخت.

کودکان معمولاً از سن چهار سالگی به بعد می‌توانند ذهنیتی نسبت به خداوند پیدا کنند. در این سنین به دلیل غلبه تفکر عینی و ناتوانی برای تفکر انتزاعی، کودکان خداوند را به صورت مادی و در قالب یک انسان تصور می‌کنند و برای او خانه‌ای در آسمان‌ها یا در بهشت در نظر می‌گیرند. خداوند از بالای آسمان‌ها به همگان می‌نگرد و مراقب کارهای همه است یا به زمین آمده و به اداره کردن امور می‌پردازد. به تدریج که کودک بزرگ تر می‌شود، با ورود به دبستان و تحت آموزش‌های والدین، درک او نسبت به صفات خداوند کامل تر می‌شود و او را موجودی قدرتمند می‌داند که باید اوامر او را جدی گرفت. اما همچنان او را به صورت انسان تصور می‌کند؛ اما یک انسان فوق طبیعی و مقتدر با گذشت زمان و از حدود نه سالگی به بعد کودکان کم‌کم به سمت تفکر شهودی پیش می‌روند و تلاش می‌کنند تا غیر مادی و غیر قابل رویت بودن خداوند را درک کنند. آنها ممکن است گاهی خداوند را به صورت نامرئی، به شکل نور یا چیز سفید و... تصور کنند؛ یعنی سعی می‌کنند تصویری فوق انسانی از خدا در ذهن ایجاد کنند. این وضعیت ادامه دارد، تا این که در دوره نوجوانی و همزمان با رشد قدرت تفکر انتزاعی، تصور ایشان از خداوند کامل تر شود.

در دوره نوجوانی که از ۱۲ سالگی شروع می‌شود، درک نوجوانان از خدا کامل تر می‌شود. آنها به تدریج از تخیل به سمت تعقل و درک مفاهیم انتزاعی حرکت می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند از افکار کودکان خود و از انسان‌انگاری خدا فاصله بگیرند و گرچه

هنوز هم به طور کامل از این گونه تصورات رها نشده اند - و ممکن است این حالت تا دو سه سال دیگر ادامه یابد - اما باور دارند که خدا دیدنی نیست. بر این اساس، روش های آموزش مفهوم خدا برای کودکان و نوجوانان متفاوت خواهد بود.

۴-۲- اصل مفروض گرفتن اصل وجود خدا

در قرآن و در تعالیم معصومین (ع) اصل وجود خدا مفروض گرفته شده است و شک و تردید در وجود او با استفهام انکاری بیان شده است: «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابراهیم: ۱۰) زیرا اصل وجود خدا فطری و نزدیک به بدیهی است و هر انسانی با اندک تأملی آن را می یابد و نیازی به استدلال های پیچیده نیست. این استدلال ها پر از مفاهیم انتزاعی و مجرد است و برای کودکان و نوجوانان و حتی بسیاری از مردم قابل فهم نیست و حتی ممکن است مضر نیز باشد؛ زیرا طرح این موضوعات بدین معناست که ممکن است خدایی در کار نباشد (داوودی، ۱۳۸۳: ۳۹ و ۴۱). بنابراین تلاش استدلالی برای اثبات وجود خدا عمدتاً باید در شرایطی که برای افراد شبهه ایجاد شده است، انجام شود؛ نه در بدو امر.

۴-۳- اصل آغاز آموزش از دوران طفولیت

برخی از والدین به اشتباه بر این باورند که اصول اعتقادی، از جمله توحید یک مفهوم انتزاعی است و آموزش آن لزوماً مبتنی بر استدلال های عقلی و سنگین بوده از این رو فهم و هضم آن برای کودکان ممکن نیست؛ و با این استدلال، از امر مهم تربیت اعتقادی، شانه خالی می کنند. این در حالی است که کودکان، سلیم الفطره بوده و هنوز تعلقات تیره طبیعت و هواهای نفسانی گرد غفلت بر روی فطرت پاک ایشان نپاشیده است بنابراین آمادگی زیادی برای تربیت اعتقادی دارند. یک کودک خردسال که حتی واژه "خدا" (یا نظایر آن) در مقابل او استفاده نشده و برایش بیگانه است، به راحتی ممکن است در هنگام مشاهده عظمت کوه ها و به دلیل بدیهی بودن اصل علیت برای هر انسانی (معلمی،

۱۳۸۶: ۳۳۹)، از مادر خود بپرسد: «چه کسی این کوه‌ها را درست کرده است؟» یعنی اصل وجود آفریننده به طور بدیهی و غیر قابل تردید برای او حاضر است (او نمی‌پرسد: آیا این کوه‌ها اتفاقی به وجود آمده اند یا کسی آنها را ساخته است؟) بلکه، وجود آفریننده را مفروض و قطعی می‌گیرد و فقط کنجکاو است که بداند چه کسی آن قدر قدرتمند بوده است که توانسته این کوه را به وجود بیاورد. به همین دلیل است که باید قبل از آشنا شدن کودک یا نوجوان با عقاید انحرافی دیگر، باید او را با تربیت صحیح و دینی که شکوفا کننده و تقویت‌کننده فطرت است، آشنا کرد.

۴-۴- اصل آمادگی

آموزش درباره مفهوم خدا و پرورش زمینه‌های ایمان به او، با دیگر برنامه‌های آموزشی متفاوت است. ایمان یک امر قلبی است و انسان باید با جان و دل خود آن را لمس نماید. برای تحقق این هدف، هر دو طرف ارتباط، یعنی هم مربی و هم متربی باید از آمادگی روحی، روانی و نشاط روحی برخوردار باشد. بر این اساس، نمی‌توان در زمان خستگی، بی‌حوصلگی، کسالت روحی، عجله یا درگیری‌های فکری شدید دیگر، به این امر مهم پرداخت.

۴-۵- اصل اولویت عمل بر کلام

آموزش مستقیم و کلامی تنها منبع و بهترین منبع یادگیری‌های انسان نیست؛ بلکه بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان به صورت ضمنی و در قالب تجارب واقعی او صورت می‌پذیرد؛ تجاربی که از دوران اولیه زندگی شروع می‌شوند. آنچه را که کودک در رفتار اطرافیان می‌بیند، باعث یادگیری‌هایی پنهان و غیرکلامی می‌شود که تأثیرات عمیقی بر رفتارهای بعدی او می‌گذارد (سیانکو، ۲۰۰۶) و تکرار این تجارب، رشد ادراکات و مفاهیم ضمنی را تقویت می‌نماید (نارواژ، لاپسلی، هگل و لسکی، ۲۰۰۶). به همین دلیل، در بسیاری از موارد، انسان چیزهایی را می‌داند که نه از طریق شفاهی و استدلال

آموخته است و نه می‌تواند به صورت شفاهی بیان کند.

در دین مبین اسلام نیز آموزش عملی و برتری و تقدم آن بر آموزش کلامی صرف، همواره مورد تأکید بوده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۷۸ / ۲): مردم را به طریقی غیر از زبان تان دعوت کنید. این مهم به‌ویژه در دوره کودکی که هنوز کودک ظرفیت درک توضیحات کلامی را ندارد و بیشتر از عمل اطرافیان یاد می‌گیرد، بسیار مهم است. والدین و مربیانی که خود، اعتقادات و باورهای مستحکمی داشته باشند و در عمل به آن ملتزم و پایبند باشند، بهترین الگو برای دینداری هستند و تأثیرگذارترین آموزش را خواهند داشت. در غیر این صورت، و در شرایطی که به دلیل احساس حضور کمرنگ خداوند در زندگی، در عمل به دستورات دین کوتاهی کنند، نمی‌توانند چیزی را که حضور آن را در قلب شان احساس نمی‌کنند، با شور و حرارت و به صورت تأثیرگذار به دیگری منتقل کنند. ایمان تنها یک معرفت نظری نیست، بلکه بعد عاطفی و التزام عملی هم دارد. مفهوم خدا نباید فقط توسط ذهن دریافت شود، بلکه باید درون فرد شور و حرکت بیافریند. بنابراین، اولین اقدام والدین یا مربیان برای تربیت اعتقادی فرزندشان، تقویت اعتقادات خود و یاد خدا و عمل به دستورهای او در تمام لحظات زندگی می‌باشد.

۴-۶- اصل تأکید بر معرفی صفات خدا

شناساندن صفات خدا یکی از روش‌های کارآمد در رشد و ارتقای معرفت و اعتقاد به خداست. به‌جای تمرکز بر ماهیت خدا، سعی کنیم صفات جلال و جمال او را به تصویر بکشیم. بسیاری از صفات خدا مانند مهربانی، شفقت، بخشش، قاطعیت و... مفاهیمی هستند که همه مردم با آن سر و کار دارند و درک می‌کنند.

۴-۷- اصل بهره‌گیری از روش‌های متنوع

برای برخی از افراد، روش‌های آموزشی مستقیم و برای برخی دیگر، روش‌های عملی یا

غیر مستقیم مناسب است. انسان گاهی مشتاق بحث عقلی و استدلالی است، زمانی مایل است به داستان‌های تاریخی و هیجان‌انگیز گوش فرا دهد، گاهی از طریق اشعار موزون می‌توان مفاهیمی را به او منتقل کرد و گاهی به زبان هنر پاسخ می‌دهد؛ بنابراین، در آموزش مفهوم خدا به کودکان و نوجوانان، باید به تفاوت‌های فردی و تفاوت در شرایط روحی و روانی افراد توجه نمود و بنابر موقعیت، از روش‌های مناسب سود جست.

۴-۸- اصل تدریج و استمرار

آموزش و تربیت اعتقادی همچون آموزش در هر حیطة دیگری، باید به تدریج و از ساده به پیچیده ارائه شود. شناخت و ایمان به خدا امری است که کم‌کم در جان انسان ریشه می‌گیرد و تثبیت می‌شود. نباید انتظار داشت که با چند نوبت گفتگو و پرسش و پاسخ، تمام مسائل اعتقادی کودک یا نوجوان کاملاً حل شود، بلکه باید با صبر و حوصله این روند را ادامه داد. خداوند نیز برای تربیت انسان‌ها، قرآن کریم را به تدریج و در طول ۲۳ سال بر پیامبرش نازل کرد: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (الاسراء: ۱۰۶): و قرآنی که آیتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم. به عقیده علامه طباطبایی (ره) معارف الهی جز به تدریج در فهم بشر نمی‌گنجد؛ لذا باید به تدریج - که خاصیت این عالم است - نازل گردد تا مردم به آسانی بتوانند تعقلش کرده، حفظش نمایند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۵/۱۳).

استمرار و مداومت بر آموزش نیز نکته مهمی است. در مکتب اسلام، آموزش امری است مداوم و مستمر، و مسلمان همیشه باید در وادی آموزش و فراگیری باشد.

۵- روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری

مقصود از روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان، فنون، شیوه‌ها و دستورالعمل‌های جزئی است که اهداف و اصول آموزش مفاهیم دینی را به ثمر می‌رساند و به آنها عینیت می‌بخشد (مقدس، ۱۳۸۲).

۵-۱- روش‌های آموزشی در کودکان.

برخی از روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری در کودکان بدین ترتیب عبارت‌اند:

۵-۱-۱- آموختن لفظی نام خدا

از آموزه‌های اسلامی چنین بر می‌آید که از سه سالگی باید آموزش مفهوم خدا را به کودک آغاز کرد؛ البته در این سن شاید کودک درکی از آن نداشته باشد؛ اما باید با نام خداوند حداقل به صورت لفظی، آشنا شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: وقتی کودک شما سه ساله شد، از او بخواهید هفت بار «لااله الاالله» را تکرار کند. سپس او را رها کنید، وقتی هفت ماه و بیست روز گذشت، از او بخواهید هفت بار «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بگویند و چون چهارساله شد هفت بار بگویند: «صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» (فلسفی، ۱۳۶۸: ۲۴۶۱).

۵-۱-۲- معرفی صفات خداوند با تأکید بر صفات رحمت و محبت

نباید سعی کنیم ذات خداوند را به کودک معرفی کنیم؛ زیرا حقیقت ذات خداوند بر ما پوشیده است و با این کار، ذهن کودک آشفته‌تر می‌شود. در عوض، باید خداوند را با صفاتش به کودک بشناسانیم.

برخی از والدین و مربیان برای ترساندن کودکان و وادار نمودن آنها به انجام کارهای مورد نظرشان، دائماً او را از خدایی که او را به جهنم می‌اندازد، می‌ترسانند، در حالی که نباید اولین تصویری که از خداوند در ذهن کودک نقش می‌بندد، مربوط به صفات قهر و غضب خداوند باشد و این در حالی است که صفات رحمت الهی بر غضب او مقدم می‌باشد «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (دعای جوشن کبیر، اسم یکصد و نود و هشتم).

بنابراین، باید خداوند را به ویژه در دوره کودکی، از طریق صفت رحمت و محبت او به همه موجودات، به کودک معرفی کرد. برای این کار از نمونه‌هایی که برای او ملموس هستند، استفاده کنید. حتی پیامبر اکرم (ص) هم از چنین موقعیت‌هایی استفاده می‌کردند

و مثلاً زمانی که اصحاب از مشاهده مهربانی تحسین برانگیز یک پرنده به جوجه هایش، یا شفقت یک مادر نسبت به فرزندش به وجد می آمدند، از فرصت استفاده می کردند و می فرمودند که بدانید و مطمئن باشید که مهربانی خداوند به شما از این هم بیشتر است، زیرا اساساً خداوند خالق همه مهربانی هاست.

۵-۱-۳- ذکر نام خدا در موقعیت های زندگی واقعی

همان گونه که ذکر شد، خداوند باید در تمام لحظات زندگی واقعی والدین حضور داشته باشد و فرزند، این حضور را احساس کند. پس خوب است که پدر و مادر مثلاً در هنگام آغاز غذا خوردن، با صدای بلند و خوش، «بسم الله الرحمن الرحیم» بگویند، در شرایط ناراحتی و سختی، جملاتی مثل: «یا الله»، «توکل بر خدا»، «خدایا به امید تو»، «خدایا خودت کمک کن» و نظایر آن را به کار ببرند، در هنگام خداحافظی، از صمیم دل او را به «خدا» سپارند به گونه ای که او به خوبی احساس کند که او را به یک منبع قدرت و حمایت قوی تری می سپارند که پشتیبان اوست.

۵-۱-۴- انجام رفتار خوشایند در موقعیت های مذهبی

با توجه به تأثیر ناخودآگاه و ناهشیارانه رفتارها، گفتارها و حتی پیام های غیرکلامی والدین بر روی کودکان، والدین باید سعی کنند در زمان هایی که به مناسک دینی مشغول اند، مثلاً هنگام نماز، یعنی بین دو نماز یا بلافاصله بعد از نماز رفتارهای محبت آمیز با کودک داشته باشند (مثلاً او را در آغوش بگیرند و به او ملامت کنند) و در حالی که او را نوازش می کنند به اذکار بعد از نماز ادامه دهند و از بد اخلاقی و عصبانیت و پر خاشاگری بپرهیزند، زیرا کودک به طور ناخودآگاه، بین نماز خواندن و بدخلقی والدین تداومی برقرار می کند و خاطره بدی از نماز در ذهن او بر جای می ماند. مثلاً برای بیش تر پدر و مادرها پیش می آید که طفل در وسط نماز، مهر آنها را برمی دارد و فرار می کند تا به خیال خود با آن بازی کند یا مشغول خوردن آن می شود، یا تسبیح را

بر می‌دارد و احیاناً پاره می‌کند. آنها باید در این موارد با صبر و حوصله برخورد نمایند و از پرخاشگری اجتناب نمایند. در این گونه موارد، بهتر است که یک جانماز با مهر و تسبیح، مخصوص او در نظر بگیرند یا حتی یک مهر اضافه در دستان خود داشته باشند تا در صورت لزوم نماز را با آن ادامه دهند. پیامبر اکرم (ص) نیز زمانی که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در هنگام سجده بر پشت ایشان می‌نشستند، به جای هل دادن یا پایین گذاشتن ایشان، آن قدر سجده نماز را طولانی می‌کردند تا آنها به میل خود، پایین بروند. رفتار با حوصله بزرگسالان با کودکان در مساجد و تکایا و در هنگام مراسمات مذهبی هم بسیار مهم است. گاه تذکرات قهرآمیز و بدون ظرافت به کودکان یا نوجوانان (مانند رعایت سکوت) ممکن است خاطره تلخی را بر ذهن آنها بر جای گذاشته، آنها را برای همیشه از حضور در مساجد یا مراسمات دینی منصرف کند و بر عکس، ممکن است دادن یک شکلات یا چند بادام با مهربانی به یک طفل، باعث جلب علاقمندی او به حضور در این مکان‌ها شود. به هر حال، بزرگسالان ضمن آموزش آداب حضور در این مکان‌های مقدس، باید بیشتر حوصله کنند تا کودکان کم کم این آداب را یاد بگیرند.

۵-۱-۵- الگودهی توسط والدین

کودکان تصور خدا را با تصویری که از پدر و مادر خود در ذهن دارند، منطبق می‌سازند؛ به عبارت دیگر، صفات والدین را مظهر صفات خداوند می‌دانند و خداوند را از طریق والدین خود می‌شناسند. به عنوان مثال رزاقیت، مهربانی، عدالت و انصاف، صداقت و خطاپذیری خداوند را در تطبیق با این گونه صفات والدین تصور می‌کنند. پس والدین باید سعی کنند خود را به این صفات نیک بیارایند و از دروغ، تبعیض، خلف وعده، خشونت و نظایر آن بپرهیزند تا تصویر زیبایی از صفات خداوند در ذهن کودک ایجاد شود.

۵-۱-۶- بهره‌گیری از شگفتی‌های طبیعت برای شناساندن خدا

طبیعت، برای همه انسان‌ها، از جمله برای بچه‌ها، بهترین مدرسه‌ی خداشناسی است. در قرآن کریم هم بر مطالعه و تفکر در آیات مختلف الهی در جهان تأکید شده است: «سَتَرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳): به‌زودی آیات و نشانه‌های خود در اطراف جهان و در جان‌هایشان را به آنها نشان خواهیم داد تا برایشان روشن شود که او حق است.

زمانی که کودکان از تماشای منظر شگفت‌انگیز طبیعت به وجد می‌آیند، از فرصت استفاده کنید و قدرت، هنرمندی، خلاقیت، مهربانی، دانایی و سایر صفات خداوند را به کودک نشان بدهید. گل‌های رنگارنگ، پروانه‌های زیبا، کوه‌های سر به فلک کشیده، جنگل‌های انبوه، آسمان و ستاره‌ها، عظمت دریاها، بارش باران و برف، حتی تنوع تحسین‌برانگیز رنگ‌های موجود در طبیعت، همگی اینها از راه‌های گوناگونی درباره‌ی خدا با ما سخن می‌گویند. پس از فرصت‌هایی که در هنگام سفر، تفریح، کوهنوردی، پیاده‌روی در باغ و بوستان، گردش در باغ وحش یا باغ پرندگان، تماشای دریا و حتی تماشای گنجشک‌ها در هنگام نوشیدن آب یا تماشای نوزاد حیوانات در حال شیر خوردن، برای تقویت خداشناسی خودتان و فرزندتان استفاده کنید؛ خدایی قدرتمند و هنرمند که این همه شگفتی را آفرید، خدایی که به نیازهای همه موجودات آگاه است و با مهربانی، همه آنها را برآورده می‌سازد و به شما چشم و گوش و قلب داد تا از تماشای این همه شگفتی لذت ببرید.

۵-۱-۷- جلب محبت الهی از طریق بیان نعمت‌های او

یکی از راه‌های مؤثر ایجاد محبت قلبی نسبت به خداوند برای همه انسان‌ها، یادآوری نعمت‌ها می‌باشد. کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. خداوند متعال، خود از این روش استفاده کرده است و در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (فاطر: ۳): ای مردم به یاد آورید،

نعماتی را که خداوند بر شما ارزانی نمود، آیا هیچ خالق غیر از خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ خدایی جز او نیست. پس در موقعیت‌های مناسب نعمت‌های خداوند مانند: اعضای بدن (چشم‌ها، گوش‌ها، دست‌ها و نظایر آن)، آب برای آشامیدن، نور گرمابخش خورشید، میوه‌ها، و خلاصه تمام نعمت‌های خدا را به کودک یادآوری کنید.

۵-۱-۸- برگزاری جشن تکلیف

خدا باوری یعنی التزام عملی کسی که خداوند و دستورات او، حضور و نظارت او، حسابرسی و عدالت او را باور دارد، قطعاً سعی می‌کند اوامر او را انجام دهد. برگزاری جشن تکلیف چند پیام ضمنی برای فردی که به بلوغ شرعی رسیده دارد: اولاً، این یک اتفاق خوشایند و تشریف برای توست که از این پس خداوند با تو سخن می‌گوید و تو هم به طور مستقیم می‌توانی با او ارتباط برقرار کنی و صحبت کنی و مورد توجه خاص او باشی. ثانیاً، از این پس یک مرحله جدید و کاملاً جدی از زندگی تو آغاز می‌شود و تو به خاطر تک تک اعمال در محضر خداوند مسئول هستی.

۵-۱-۹- داستان گویی

در کودکان قدرت تخیل از قدرت تعقل قوی‌تر است. آنها از شنیدن داستان‌ها بی‌نهایت لذت می‌برند و بسیار تأثیر می‌پذیرند. گاه بزرگسالان از این که فرزندشان برای چندمین بار یک داستان را با اشتیاق فراوان گوش می‌دهد (گویی که برای اولین بار است که آن داستان را می‌شنود) متعجب می‌شوند. از این ظرفیت می‌توان بهترین استفاده را کرد و مفاهیم دینی را به صورتی غیر مستقیم در قالب داستان برای کودکان بازگو نمود. البته خداوند حتی برای آموزش و تربیت بزرگسالان نیز از روش داستان‌گویی استفاده می‌کند و بسیاری از حقایق عمیق دینی را در قالب داستان پیامبران و با زبانی جذاب و قابل فهم بیان فرموده است. داستان‌های واقعی مربوط به پیامبران، بسیار مفید و جالب هستند.

البته می‌توان از داستان‌های دیگری هم که موضوع و پیام مذهبی دارند و رابطه با خدا را تقویت می‌کنند، استفاده کرد. از طریق داستان‌ها، می‌توان الگوهای جذاب و تأثیرگذاری از ایمان، شجاعت، فداکاری در راه عقیده را به کودکان معرفی کرد. نکته مهم این است که باید داستان‌ها را با بیانی ساده و قابل فهم برای کودک بیان نمود. گاه لازم نیست عیناً متن کتاب داستانی را برای کودک خواند، زیرا ممکن است تعداد زیادی از کلمات برای او قابل فهم نباشد؛ بنابراین بهتر است که فرد بزرگسال آن را به بیان ساده‌تر بازگو کند.

۵-۱-۱۰- شعر خوانی

کودکان از خواندن و حفظ کردن اشعار لذت می‌برند. شعر، احساسات انسان را بر می‌انگیزد و علاوه بر ذهن، لایه‌های دیگری از وجود او را با مفاهیم مورد نظر درگیر می‌کند؛ بنابراین، می‌توان شعرهای کودک را به سوی اهداف دینی و خداشناسی سوق داد. اشعاری که نعمت‌های خدا یا صفات او را بیان می‌کنند، به‌ویژه برای کودکان بسیار مناسب‌اند.

۵-۱-۱۱- پاسخ‌گویی به سؤال‌های کودکان

کودکان از حدود دو سالگی به بعد درمورد هر چیزی سؤال می‌کنند و این کار گاه تا جایی پیش می‌رود که والدین را کلافه می‌کند. ممکن است سؤالات آنها درمورد خداوند نیز از حدود چهار سالگی به بعد شروع شود؛ این که خدا چه شکلی است؟ در کجا زندگی می‌کند؟ آیا خدا می‌تواند هر کاری را انجام دهد؟ و نظایر آن؛ سؤالاتی که گاه بزرگسالان را غافلگیر یا شگفت‌زده می‌کند.

زمانی که کودکان و نوجوانان به سراغ ما می‌آیند و سؤال‌هایی درباره مفاهیم دینی می‌پرسند، فرصتی خوبی برای آموزش مفهوم خدا فراهم می‌شود؛ زیرا آنها خود، آغازگر گفتگو بوده‌اند و با میل درونی به سخنان ما گوش فراخواهند داد (حیدری ابهری، ۱۳۹۰: ۱۳). بزرگسالان برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های کودکان باید به چند نکته توجه کنند:

- از قبل مطالعه و آمادگی داشته باشید. امروزه کتاب‌های مفیدی درباره سؤال‌های کودکان راجع به خدا و چگونگی پاسخ‌گویی به آنها نگاشته شده است. پس با مطالعه آنها می‌توانید آمادگی بیشتری برای مواجهه و پیش‌بینی سؤال‌های آنها و نحوه پاسخگویی به آنها داشته باشید.

- قبل از پاسخ دادن به سؤال‌های کودکان لحظاتی فکر کنید تا بتوانید جواب پخته‌تری به آنها بدهید.

- اگر پاسخ سؤالی را نمی‌دانید، صادقانه به فرزندتان بگویید که پاسخ آن پرسش را نمی‌دانید، اما درباره آن مطالعه می‌کنید و به‌زودی پاسخ او را می‌دهید.

- برای پاسخ به پرسش‌های کودکان از مثال و تمثیل بهره ببرید. تمثیل، کمک زیادی به درک مفاهیم پیچیده می‌کند. خداوند هم در قرآن کریم در موارد بسیاری، از تمثیل بهره گرفته است؛ مثلاً برای توضیح معاد، چگونگی زنده شدن زمین مرده در فصل بهار را مثال می‌زند که برای مردم کاملاً ملموس است. پس به عنوان نمونه، زمانی که کودک درباره قابل رویت نبودن خداوند سؤال می‌پرسد، می‌توانید بگویید: همان گونه که ما نمی‌توانیم برق، هوش، باد و... را ببینیم، خداوند را هم نمی‌توانیم ببینیم.

- وقتی سن کودک خیلی کم است، فعلاً می‌توانید پاسخ ساده‌ای به او بدهید و مسیر سؤالش را تغییر بدهید و پاسخ کامل را به زمان مناسب‌تری که کودک درک فکری بهتری پیدا کند، واگذار کنید که معمولاً این زمان، پس از نه سالگی فراهم خواهد شد.

۵-۱-۱۲- انتخاب دوستان مناسب

دوستان تأثیر زیادی بر روی باورها، عواطف و رفتارهای کودکان دارند؛ گرچه این تأثیرگذاری در دوره نوجوانی به اوج خود می‌رسد، اما یافتن دوستان خوب و معتقد از خانواده‌ای دیندار و اصیل از همان دوران کودکی و زمینه‌سازی و تشویق کودک برای همراهی با او نیز اهمیت زیادی دارد.

۵-۱-۱۳- حفظ سوره‌های کوتاه قرآن کریم

خوب است که کودکان از همان دوران طفولیت و خردسالی که علاقه زیادی به حفظ کردن و از بر خواندن مطالب آهنگین دارند، آیات کوتاهی از قرآن کریم را طبعاً آهنگ دلنوازی هم دارند، سرلوحه کار و تلاش خود قرار دهند و به خواندن قرآن انس بگیرند.

۵-۱-۱۴- استفاده از زمان‌ها و مکان‌های مذهبی

زمان و مکان، ناخودآگاه بر انسان تأثیر می‌گذارد. زمان‌هایی هم چون ماه مبارک رمضان و مکان‌هایی هم چون مساجد و حرم امامان معصوم(ع)، زمان‌ها و مکان‌های مناسب و مغتنمی هستند که انسان آمادگی بیشتری برای افاضه، دریافت و تقویت روح ایمان دارد. بنابراین، باید از این‌گونه فرصت‌ها حداکثر بهره‌برداری را کرد و به آموزش‌های دینی پرداخت.

۵-۱-۱۵- پیشگیری و حل تعارضات

هیچ گاه به کودک نگویید که هر وقت ما هر چه از خدا بخواهیم، او به ما می‌دهد. از همان دوره کودکی به او بفهمانید که همان‌گونه که من (به عنوان مادر یا پدر) همه خواسته‌های تو را برآورده نمی‌کنم، زیرا می‌دانم بعضی از خواسته‌های تو به ضرر توست، خداوند هم همه دعا‌های ما را می‌شنود و اگر به صلاح ما باشد، آنها را برآورده می‌کند؛ زیرا او بسیار بسیار مهربان است و نمی‌خواهد به ضرر ما کاری انجام بدهد.

۵-۲- روش‌های آموزشی در نوجوانان

نوجوانان از نظر ویژگی‌های روحی و روانی وضعیت کاملاً جدیدی پیدا می‌کنند. نوجوان می‌خواهد همه چیز را شخصاً تجربه کند، شخصاً به معیارها دست یابد، باورهایش را بازسازی کند و دنیای جدیدی برای خود بسازد. او از اینکه دیگران نظرات خود را بر او تحمیل کنند و انتظار پذیرش بی‌چون و چرا داشته باشند، یا به پند و اندرز او بپردازند، بیزار است (ایمانی و وجدانی، ۱۳۸۹: ۹ و ۱۰). او دوست دارد خودش تصمیم بگیرد و

انتخاب کند؛ البته از آنجا که نوجوان هنوز آگاهی و تجربه لازم را در این دوره ندارد، از پختگی فکری و قدرت تأمل و تفکر کافی برخوردار نیست (همان: ۲۸). بنابراین گفته می‌شود که نوجوانی یک سن مسئله‌آفرین است و نوجوان از یک طرف، به دلیل بی‌تجربگی نمی‌تواند به تنهایی از عهده مسائل خود برآید و از طرف دیگر، کوشش‌هایی را که از جانب والدین و معلمان برای کمک به او ارائه می‌شود، نمی‌پذیرد (شرفی، ۱۳۸۶: ۴۲). بنابر بحث اخیر، مربی باید در کنار او قرار بگیرد و باید با احترام کامل به حس استقلال‌طلبی او، وی را کمک نماید تا خودش درک بهتری از امور پیدا کند.

از دیگر ویژگی‌های نوجوان ارتباط بیشتر با دوستان و همسالان است. نوجوان احساس تعلق زیادی به گروه دارد. همبستگی گروهی در این دوره به اوج خود می‌رسد و غالباً به عنوان یک شاخص موفقیت برای اکثر نوجوان‌ها محسوب می‌گردد. نیاز به تعلق به گروه به معنای پذیرش و قبول گروه است (همان: ۲۲۹) و بنابراین نوجوان به شدت تحت تأثیر گروه همسال و گروه دوستان خود قرار می‌گیرد و خود را با ملاک‌های آنها تطبیق می‌دهد. از دیگر ویژگی‌های نوجوان می‌توان، عشق به هنر و زیبایی، مجذوب شخصیتی شدن و آن را الگوی خود قرار دادن (همان: ۱۳۲) اشاره نمود.

با توجه به ویژگی‌های مذکور، اکنون باید روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداابوری را در دوره نوجوانی مورد بررسی قرار داد. لازم به ذکر است که روش‌های مربوط به دوره کودکی، مانند الگو بودن والدین، بیان نعمت‌های الهی و توجه به شگفتی‌های آفرینش لزوماً کنار گذاشته نمی‌شوند؛ بلکه با روش‌های مناسب دوره نوجوانی تکمیل می‌گردند.

۵-۲-۱- استفاده از نمادهای هنری با محتوای دینی

اغلب نوجوانان دوست دارند دیوارهای اتاق‌شان را با تابلوها و پوسترهایی تزیین کنند. می‌توان از تابلوهای هنری با نمادها و محتوای دینی به صورت خوشنویسی (آیات و روایت یا سخنان، اشعار حکمت‌آمیز و نظایر آن)، نقاشی، سفال و... استفاده نمود تا

فضای معنوی و الهی فراهم گردد.

۵-۲-۲- فعالیت‌های هنری

نوجوانان به فعالیت‌های هنری و آفرینش آثار زیبا علاقه‌مند هستند. می‌توان این علایق و فعالیت‌ها را به سوی مفاهیم و معانی عمیق دینی و مذهبی و همچنین، اخلاقی هدایت نمود؛ کارهایی مانند خطاطی، نقاشی، مینیاتور، تذهیب، سفالگری و حتی عکاسی می‌تواند با محتوای دینی انجام شود.

۵-۲-۳- داستان‌های مناسب

نوجوانان به داستان‌ها و رمان‌ها علاقه دارند. داستان‌های مذهبی (با زبان و ادبیات مناسب نوجوانان)، تاریخ بزرگان دینی، زندگی‌نامه رهبران مذهبی و رمان‌های مذهبی تأثیر خوبی برای پرورش معنوی آنها خواهد داشت.

۵-۲-۴- نامه نوشتن برای خدا

وقتی انسان شروع به نوشتن می‌کند، به تأمل و تعمق واداشته می‌شود و احساسات و افکار او برایش روشن‌تر می‌شوند. نامه نوشتن و درد دل کردن با خدا، باعث می‌شود که انسان ارتباط نزدیک‌تر و صمیمانه‌تری با خدا برقرار کند. این کار را می‌توان در دوره کودکی نیز شروع کرد.

۵-۲-۵- انتخاب دوستان خوب و معتقد

همان‌گونه که ذکر شد نوجوانان به شدت تحت تأثیر دوستان خود قرار می‌گیرند؛ بنابراین انتخاب مدرسه مناسب، معلمان و دوستان معتقد و پایبند به مناسک دینی در تحکیم اعتقادات و دینداری نوجوان بسیار مؤثر است و بالعکس، قرار گرفتن نوجوان در جمع دوستان نامناسب و بی اعتقاد، می‌تواند تمام زحمات خانواده و مربیان برای تربیت اعتقادی فرزند را خنثی نموده و از بین ببرد.

۵-۲-۶- حفظ آیات قرآن کریم و درک مفهوم آنها

درک معنا و مفهوم آیات قرآن کریم به میزان زیادی به نوجوان کمک می‌کند که با خداوند و سخنان او انس بگیرد. برخی نوجوانان نیز به حفظ آیات قرآن کریم علاقه‌مند هستند. برگزاری مسابقات و برانگیختن حس رقابت آنها در تشویق ایشان برای ورود به چنین فعالیت‌هایی مفید خواهد بود. نکته مهم، استمرار این جریان و انس دائمی با قرآن کریم می‌باشد. داشتن برنامه خانوادگی برای تلاوت روزانه یک صفحه از قرآن مجید می‌تواند برای این منظور مفید باشد.

۵-۲-۷- معرفی الگوهای مناسب

نوجوانان در این دوره از زندگی شان تمایل دارند که فردی را به عنوان شخصیت محبوب خود داشته باشند. آنها به شدت مجذوب او می‌شوند و با او همانندسازی می‌کنند. پس پیش از این که آنها شخصیت محبوب خود را از میان افراد نامناسب انتخاب کنند و به آنها دل ببندند، شخصیت‌های دیندار، معتقد و دوست‌داشتنی را به ایشان معرفی کنید و زمینه انتخاب آنها را به عنوان الگوهای زندگی فراهم نمایید.

۵-۲-۸- استفاده از برهان و استدلال

ممکن است برای نوجوانان سؤال‌ها و شبهه‌هایی پدید بیاید و در نظام باورهای خود دچار تردید شوند.

آنها به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات آنها هستند. نوجوانان مایلند که در مورد صحبت‌های بزرگسالان، دلایل آنها را بشنوند و ظرفیت ادراکی آنها هم برای تفکر منطقی و استدلالی بیشتر از قبل است. بنابراین در این دوره می‌توان با استفاده از برهان‌های خداشناسی، به خدا باوری آنها کمک کرد. برهان نظم یکی از برهان‌هایی است که به‌طور شایع برای اثبات وجود خداوند استفاده می‌شود و درک آن برای همه آسان است. در برهان نظم نشان می‌دهیم که هر نظامی در جهان نشان‌دهنده وجود آفریننده و تدبیرکننده‌ای دانا و

حکیم است. این جهان با این همه نظم و انسجام و هماهنگی (مانند نظمی که در میان اعضای بدن، در چرخه باران، در چرخه محیط زیست، در میان کهکشان‌ها و گردش زمین در مدارهای خواص خود و... وجود دارد) هم نمی‌تواند به‌طور اتفاقی به‌وجود آمده و مرتب شده باشد؛ بدین ترتیب، حضور خداوند را در نظم دقیق جهان به‌صورت ساده به نوجوان نشان می‌دهیم.

۶- جمع‌بندی و پیشنهادها

بیان مفاهیم دینی برای کودکان و نوجوانان که از ظرفیت‌های کلامی و ادراکی محدودتری نسبت به بزرگسالان برخوردارند، از دغدغه‌های مهم دست‌اندرکاران تربیت است. این پژوهش با هدف کمک به بهبودی کارایی روش‌های اجرایی در تربیت اعتقادی صورت گرفت و یافته‌های آن، به صورت پیشنهادهایی عملی برای معلمان، مربیان و خانواده‌ها قابل استفاده می‌باشد. پیشنهاد می‌شود هشت اصل یا دستورالعمل کلی زیر برای آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری از همان ابتدای طفولیت به‌کار گرفته شود:

- اصل توجه به سطح ادراکی و آمادگی‌های فکری؛

- اصل مفروض گرفتن اصل وجود خدا؛

- اصل آغاز آموزش از دوران طفولیت؛

- اصل آمادگی؛

- اصل اولویت عمل بر کلام؛

- اصل تأکید بر معرفی صفات خدا؛

- اصل بهره‌گیری از روش‌های متنوع؛

- اصل تدریج و استمرار.

همچنین، با عنایت به ویژگی‌های خاص کودکان، و جهت کارآمدی بیشتر تربیت اعتقادی، پیشنهاد می‌گردد آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری برای کودکان با

روش‌های زیر صورت گیرد:

- آموختن لفظی نام خدا؛
 - معرفی صفات خداوند با تأکید بر صفات رحمت و محبت؛
 - ذکر نام خدا در موقعیت‌های زندگی واقعی؛
 - انجام رفتار خوشایند در موقعیت‌های مذهبی؛
 - الگودهی توسط والدین؛
 - بهره‌گیری از شگفتی‌های طبیعت برای شناساندن خدا؛
 - جلب محبت الهی از طریق بیان نعمت‌های او؛
 - برگزاری جشن تکلیف؛
 - داستان‌گویی؛
 - شعرخوانی؛
 - پاسخ‌گویی به سؤال‌های کودکان؛
 - انتخاب دوستان مناسب؛
 - حفظ سوره‌های کوتاه قرآن کریم؛
 - استفاده از زمان‌ها و مکان‌های مذهبی؛
 - پیشگیری و حل تعارضات؛
- همچنین، روش‌های آموزشی زیر برای نوجوانان پیشنهاد می‌گردد:
- استفاده از نمادهای هنری با محتوای دینی؛
 - فعالیت‌های هنری؛
 - داستان‌های مناسب؛
 - نامه نوشتن برای خدا؛
 - انتخاب دوستان خوب و معتقد؛
 - حفظ آیات قرآن کریم و درک مفهوم آنها؛

- معرفی الگوهای مناسب؛
 - استفاده از برهان و استدلال.
- لازم به ذکر است که روش‌ها را در هر دو دوره می‌توان به‌کار برد؛ اما بیشترین کاربرد آن مربوط به دوره خاص خود می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- مفاتیح الجنان.
- اکرمی، سید کاظم (۱۳۸۲). «تحقیقی چند وجهی در باب کتاب‌های بیش اسلامی متوسطه»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، جلد دوم، تهران: محراب قلم.
- ایمانی، محسن؛ وجدانی، فاطمه (۱۳۸۹). چالش‌های من و پدرم، پاسخ به سؤالات نوجوانان، تهران: نشر قطره.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، یونس (۱۳۸۲). «وضعیت موجود درس دینی از لحاظ نیروی انسانی»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، جلد دوم، تهران: محراب قلم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). دین‌شناسی، قم: نشر اسراء.
- چراغی، مونا؛ مولوی، حسین (۱۳۸۵). «رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱-۲۲.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۵ق). مهر تابان: مصاحبات تلمیذ و علامه، مشهد: نور ملکوت.

- حیدری ابهری، غلامرضا (۱۳۹۰). خداشناسی قرآنی کودکان، قم: نشر جمال.
- حداد عادل، غلام‌علی (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی تربیت دینی، مصاحبه‌کننده: اسدالله مرادی، تهران: مدرس.
- دانشگر، سعید؛ جعفری، سید ابراهیم؛ لیاقت‌دار، محمدجواد (۱۳۸۳). «آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشی آن»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳: ۳۳-۵۲.
- داوودی، محمد (۱۳۸۳). تربیت دینی، قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- رهنما، اکبر؛ طباطبایی، فرزانه؛ علیین، حمید (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران»، دانش و رفتار. اسفند ۸۵، سال ۱۳. شماره ۲۱: ۴۳-۵۴.
- زادشیر، فرزانه، استکی، مهناز و امامی پور، سوزان (۱۳۸۸). «مقایسه قضاوت اخلاقی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان دبستان‌های غیرانتفاعی تحت تعلیم آموزش قرآن به شیوه حفظ با معانی با غیرانتفاعی»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۲ (۱۰)، ۲۵-۴۷.
- زمانی، بی‌بی عشرت؛ دهقانی، مهدی (۱۳۸۷). «میزان فعال و غیرفعال بودن کتاب هدیه‌های آسمانی و کتاب چهارم ابتدایی: تألیف جدید تعلیمات اسلامی»، پژوهش‌های تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، ۱ (۹)، ۱-۲۲.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۶). بررسی وضع موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان و ارزیابی آن بر اساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش، تهران: دفتر سند ملی آموزش و پرورش.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ کیانی‌نژاد، عذرا (۱۳۸۲). «بررسی عوامل تاثیرات نامطلوب درس بینش اسلامی دوره متوسطه»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی. جلد دوم. تهران: محراب قلم.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۶). دنیای نوجوان. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.

- شریفی، حسن پاشا؛ شریفی، نسترن (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات سخن.
- شعبانی، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی ارزشیابی برنامه درسی قرآن پایه چهارم ابتدایی»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۸، ۱۰۵-۱۴۰.
- شمشیری، بابک؛ نوذری، مرضیه (۱۳۹۰). «آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش دبستانی»، تربیت اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۹۰: ۵۱-۷۳.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا؛ حسینی، محمد (۱۳۹۱). چگونگی استنتاج ابیادها از هست‌ها در فلسفه تربیت؛ در جستجوی الگویی روش‌شناختی بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، تهران: موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۸). محقق: فرید، مرتضی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قدرتی میرکوهی، مهدی؛ خرمایی، احسان (۱۳۸۹). «رابطه دینداری با سلامت روان در نوجوانان»، علوم رفتاری پاییز ۱۳۸۹؛ ۲(۵): ص ۱۱۵-۱۳۱.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۷). «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۷: ۹۳-۱۲۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- معلمی، حسن (۱۳۸۶). پیشینه معرفت‌شناسی اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مقدسی‌پور، علی (۱۳۸۲). «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان»، مجله معرفت، شماره ۷۵، اسفند ۱۳۸۲، ص ۳۶-۴۴.
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش آموزان»، مجموعه

مقالات همایش تربیت دینی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 - وجدانی، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی و ارائه الگوی نظری جهت کاهش شکاف میان معرفت و عمل اخلاقی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- Ciancolo, A.T., Matthew, C., Sternberg, R.J., & Wagner, R.K. (2006). Tacit Knowledge, Practical Intelligence and Expertise. In K.A. Ericsson, N. Charness, P.J., Feltovich, & R.R. Hoffman (Eds.), *The Cambridge Handbook of Expertise and Expert Performance* (pp. 613–632). New York: Cambridge University Press.

- Narvaez, D., Lapsley, D.K., Hagele, S., & Lasky, B. (2006). Moral Chronicity and Social Information Processing: Tests of a Social Cognitive Approach to the Moral Personality. *Journal of Research in Personality*, 40, 966–985.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی